

فقر مرگ بزرگ است

آذر منصورى

زمانى كه شايعه مرگ غم‌انگيز مهسا امينى را شنيدم، با خود گفتم اى كاش هر چه زودتر تكذيب شود. در اخبار هم كه جست‌وجو مي‌كردم بيشتر به دنبال تكذيب مرگ او بودم تا تايد آن. هم به خاطر جوانى او و پدر و مادري كه پس از او تا زنده‌اند بايد اين داغ را تحمل كنند و هم به دليل تحليل و برداشتي كه از ميزان نارضايتي و خشم موجود در جامعه داشتم. قابل پيش‌بينى بود كه مرگ او مانند جرقه‌اي عمل خواهد كرد و طبق معمول پس از اين فاجعه نيز تدبير لازم نه براي اطلاع‌رسانى درست و به موقع و نه ايجاد مقدمات لازم براي شكل‌گيري كميته حقيقت‌ياب مستقل صورت نگرفت و به‌رغم بازداشت‌هاي مكرر و برخوردهاي پليسي با معترضان همان‌طور كه پيش‌بيني ميشد، اين اعتراضات از حيث عمق و دامنه و زمان نسبت به اعتراضات ۹۶ و ۹۶ تفاوت معناداري پيدا كرده است. شايد اگر تحليل دقيق و واقع‌بينانه‌اي از جامعه و آنچه زير پوست شهر در حال وقوع است وجود داشت، گشت ارشاد اينچنين بي‌محابا و خشن با دختران و زنان ايران به بهانه باز بودن دكمه‌هاي مانتو يا بيرون بودن چند سانتيمتر بيشتر موي آنها با احتياط بيشتري رفتار مي‌كرد. اين طبيعي است كه وقتي مخالفاني در منطقه و جهان داشته باشي، هر اعتراضى بهانه‌اي براي موج‌سواري آنها خواهد شد، اما نبايد به اين بهانه صداي معترضان نادیده گرفته شود و به دنبال آدرس غلط رفت. هر چند دال اصلي اين اعتراضات مطالبات زنان ايران است كه به‌طور مشخص از موضوع پوشش نقطه آغاز آن است و شعار غالب: «زن، زندگي، آزادي» است، اما وقتي شكلي فراگير پيدا مي‌كند و همچنان ادامه دارد، اين سوال جدي مطرح ميشود كه چرا به‌رغم قطعي اينترنت و دستگيري‌ها متعدد معترضان همچنان ادامه دارد؟ پاسخ دادن به اين پرسش نياز به پژوهش‌هاي علمي، دقيق و بي‌طرفانه دارد، اما مسلم است كه خواسته همه معترضان فقط اعتراض به حجاب اجباري و گشت ارشاد نيست. (هر چند به نظر نمي‌آيد مطالبه‌اي در همين سطح هم از جانب حاكميت مورد توجه قرار گيرد و اراده‌اي براي اصلاح قانون حجاب اجباري مطابق با خواست اكثريت جامعه وجود داشته باشد.) آنچه موجب شد مرگ زينا مقدمه‌اي بر شكل‌گيري يكي از فراگيرترين اعتراضات در ايران پس از

انقلاب اسلامي شود، گسست عميقي است که بين حاکميت و ملت شکل گرفته و ناگفته پيدااست که وقتي خط فقر ۱۸ميليون تومان اعلام ميشود، چند درصد از شهروندان ايران مشمول آن شده اند. ناکارآمدي، ضعف حکمراني و بي توجهي به خواست اکثريت شهروندان که آثار ملموس خود را بر زندگي آحاد شهروندان کشور گذاشته و نتيجه اي جز نااميدي و بي افقي نسبت به آينده در آنها به دنبال خواهد داشت و طبيعي است که در چنين شرايطي تلاش مي کنند تا به نحوي نارضايتي خود را از وضع موجود در خيابان ابراز کنند. چرا خيابان؟ چون راهي غير از خيابان براي طرح مطالبات خود و اعلام و ابراز نارضايتي متصور نيستند. نه نهادهاي انتخابي و نه جامعه مدني ظرفيت لازم را براي شناسايي و ديده شدن اين مطالبات ندارند و خيابان را ايستگاه آخر و تنها پناه خود براي رهايي از مرگ تدريجي مي بينند. کاري کنيد شهروندان به خصوص دختران و پسران جوان اين کشور به ايستگاه آخر نرسند.

من: □□□□□□ □□□□□□ 1 □□□□ □□□□□□ 1401 □□□□□□